

The Goals of Islamophobia Discourse in Zionist Christianity and its Effect on the Survival of Israel

Amir Aghajani¹

PhD student in Political Science, Political Thought, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, amiraghajani2050@yahoo.com

Seyed Asadullah Athari*

Assistant Professor, Political Science Department, Takestan Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran athary.asadolah@yahoo.com

Hojjatullah Darvishpour

Assistant Professor, Political Science Department, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran dr.darvishpour2018@yahoo.com

Mohammad Reza Hatami

Full Professor, Political Science Department, Payam Noor University, Tehran, Iran m.hatami@pnu.ac.ir

Abstract

Purpose: This research aims to investigate the goals of the discourse of Islamophobia and its impact on the survival of Israel in the Zionist Christian thought, which was able to with the help of numerous institutes and institutions in Europe and America and by regularizing the activities of publications and Media, social groups, politicians, experts and analysts play an important role in promoting Islamophobia and supporting Israel in the West.

Method: The current research has analyzed the topic based on the descriptive-analytical method and using the discourse analysis theory of Lacla and Mouffe.

Finding: One of the main discourses in the contemporary world is the issue of Islamophobia, which intensified from the second half of the 20th century with the occurrence of Islamic freedom movements and most importantly, the Islamic Revolution of Iran, and among these, Zionist Christians. He considered the Shiites to be a major threat to Islamic civilization for his religious beliefs and teachings, and with the extensive guidance of the media, he tried to shape the public opinion of the world against the Shiites.

Conclusion: The findings of the research show that Zionist Christianity is a cultural, political and discourse flow that, relying on Talmudic teachings and apocalyptic conflict, aims to destroy the most important enemy of Israel (Muslims) by promoting Islamophobia. Cause the survival of this regime, and in this regard, missionaries and evangelical media play a key role in instilling the fake threat of Sharia and Islamophobia in the world, and most of the misconceptions that the West has about Islam are caused by the role of this media. It is prejudice and ignorance.

Key words: Zionist Christianity, Islamophobia, Media, Israel, Muslims

Article type: Research

* Received on 3 August, 2023 Accepted on 31 October, 2023

Cite this article: Aghajani, Asadullah Athari, Darvishpour & Hatami (2024) The Goals of Islamophobia Discourse in Zionist Christianity and its Effect on the Survival of Israel, Winter 2024, Vol.12, NO.4, 49-70.

DOI: 10.30479/psiw.2023.19152.3254

© The Author(s).



Publisher: Imam Khomeini International University.

Corresponding Author: Seyed Asadullah Athari

E-mail: asadolah@yahoo.com

اهداف گفتمان اسلام‌هراسی در مسیحیت صهیونیستی و تأثیر آن بر بقای اسرائیل

امیر آقاجانی 

دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش اندیشه سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،
amiraghajani2050@yahoo.com

*سیداسدالله اطهری

استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران athary.asadolah@yahoo.com

حجت الله درویش پور

استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران dr.darvishpour2018@yahoo.com

محمدرضا حاتمی

استاد تمام گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران m.hatami@pnu.ac.ir

چکیده

هدف: این پژوهش قصد دارد اهداف گفتمان اسلام‌هراسی و تأثیر آن بر بقای اسرائیل را در اندیشه مسیحیت صهیونیستی بررسی کند که توانسته با کمک مؤسسه‌ها و نهادهای متعدد در اروپا و آمریکا و با نظم بخشیدن به فعالیت‌های نشریه‌ها و رسانه‌ها، گروه‌های اجتماعی، سیاست‌مداران، کارشناسان و تحلیلگران، نقش مهمی در ترویج اسلام‌هراسی و حمایت از اسرائیل در غرب ایفاء کند.

روش: پژوهش حاضر بر مبنای روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه، به تحلیل موضوع پرداخته است.

یافته‌ها: یکی از گفتمان‌های اصلی در جهان معاصر، مسئله اسلام‌هراسی است که از نیمه دوم قرن بیستم با وقوع جنبش‌های آزادی‌خواهی اسلامی و مهمتر از همه انقلاب اسلامی ایران تشدید شد و در این میان مسیحیان صهیونیست، شیعیان را خطری عمده از جانب تمدن اسلامی برای باورها و آموزه‌های دینی خود پنداشته و با هدایت گسترده رسانه‌ها سعی داشته افکار عمومی جهان را بر ضد شیعیان شکل دهند.

نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مسیحیت صهیونیستی جریانی فرهنگی، سیاسی و گفتمانی بوده که با تکیه بر آموزه‌های تلمودی و نزاع آخرالزمانی، قصد دارد با ترویج اسلام‌هراسی، مهمترین دشمن اسرائیل (مسلمانان) را نابود و باعث تداوم بقای این رژیم گردد و در این راستا مبلغان و رسانه‌های اوانجلیستی نقش کلیدی در القای تهدید ساختگی از شریعت و اسلام‌هراسی در جهان ایفا می‌کنند و بیشتر تصورات غلطی که غرب از اسلام دارد، ناشی از نقش این رسانه‌ها و تعصب و جهل است.

واژگان کلیدی: مسیحیت صهیونیستی، اسلام‌هراسی، رسانه، اسرائیل، مسلمانان

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۵/۱۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۸/۹
استناد: آقاجانی، اطهری، درویش پور و حاتمی (۱۴۰۲)، جایگاه فرهنگ سیاسی در تحولات افغانستان (از سقوط طالبان تا قدرت یافتن مجدد آن‌ها)، زمستان ۱۴۰۲، دوره ۱۲، شماره ۴، پیاپی ۴۸-۴۹-۷۰.



ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) حق مؤلف ©

مقدمه

یکی از روندهای کنونی نظام بین‌الملل، رویارویی جهان غرب با اسلام و دامن زدن به این جریان در محافل آکادمیک و نظریه‌پردازی غرب است. گرچه روند یادشده ریشه در تاریخ دارد، اما در سده معاصر و به‌ویژه در چند دهه اخیر، سیر صعودی به خود گرفته و می‌توان گفت تحولات مختلف در جوامع اسلامی از یک سو و در جغرافیای غرب از سوی دیگر به بسط تقابل غرب و اسلام کمک شایانی نموده است؛ بازتاب منطقه‌ای و جهانی انقلاب اسلامی ایران، رشد گروه‌های اسلامی در پاکستان، عراق، سوریه، افغانستان، مصر، یمن، سودان و دیگر کشورهای اسلامی، اقتدار حزب‌الله لبنان و حماس در برابر رژیم صهیونیستی و از همه مهمتر افزایش جمعیت مهاجران مسلمان در اروپا و آمریکا، نگرانی از اسلام و مسلمانان را در جامعه غرب بسیار فراگیر کرده به گونه‌ای که امروزه مسئله اسلام‌هراسی به پدیده‌ای چندوجهی در غرب تبدیل شده که تمامی ابعاد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و استراتژیک آنان را دربر گرفته است. (آجیلی، ۱۳۹۷، ۹) بنابراین ترس از اسلام، جوامع اسلامی و مناطق مسلمان‌نشین، برای تمامی مسیحیان جهان حائز اهمیت بوده و در این فضا گروه‌ها و سازمان‌های مختلف کوشیده‌اند با بزرگ‌نمایی و هدایت این جریان در مسیری خاص به اهداف شوم خود دست یابند. یکی از این گروه‌ها، مسیحیان صهیونیست هستند که از جمله سرسخت‌ترین مدافعان رژیم صهیونیستی بوده که با چاپ کتاب و مقالات، برگزاری سمینارها و نشست‌های متعدد در اقصی نقاط جهان و صرف هزینه‌های گزاف تلاش دارند تا نگاه سوگیرانه خود به اسلام و مسلمین را در میان جوامع مختلف گسترش دهند و اسلام‌هراسی را به فصل مشترک گفتمان غرب تبدیل کنند. به اعتقاد آنان تمام مسلمانان، تروریست و دشمن خدا هستند، چون دشمن اسرائیل می‌باشند.

مسیحیان صهیونیست همچنین توانسته‌اند با کمک مؤسسه‌ها و نهادهای متعدد فرهنگی در اروپا و آمریکا و با نظم بخشیدن به فعالیت‌های نشریه‌ها و رسانه‌های جمعی، گروه‌های اجتماعی، سیاست‌مداران، کارشناسان و تحلیلگران، مسئله اسلام‌هراسی را در غرب گسترش دهند. به طوری که اندیشه مسیحیت صهیونیستی از جمله پویاترین جنبش‌های مذهبی در جهان به شمار می‌رود که در زمینه اسلام‌هراسی فعالیت می‌کند و همواره توسط ارتشی از مبشران و مبلغان رسانه‌ای، تبلیغ و ترویج می‌شود. رهبران این اندیشه با توجه به کتاب مقدس، ابتدا تلاش گسترده‌ای را برای جذب مسیحیان و یهودیان ساده‌اندیش و دلباخته ارض موعود گماردند و سپس در صدد القاء تفکر مدیریت حوادث آخرالزمان و عملی‌کردن مقدمات ظهور مجدد حضرت مسیح (ع) برآمدند که رکن اصلی آن همانا مهاجرت یهودیان سراسر جهان به سرزمین موعود (فلسطین) و حفظ رژیم صهیونیستی است، پس یهودیان جایگاه برجسته‌ای در الهیات آخرالزمانی مسیحیت صهیونیستی داشته و همواره تاکید دارند که گرچه یهودیان، ملتی بی‌رحم و منکر حضرت مسیح

(ع) هستند؛ ولی موجودیت و بقای آنان، امری اجتناب‌ناپذیر بوده و باید به منظور تحقق شرایط ظهور مجدد مسیح (ع) برای استقرار آنان در کشوری مستقل (اسرائیل) اقدام گردد.

مسیحیان صهیونیست همچنین برآنند که ظهور حضرت مسیح (ع) مستلزم اتفاق بزرگی است که مهمترین آن پیروزی و حکومت یهودیان بر جهان است. آنها ضمن اعتقاد به برگزیدگی و رسالت یهودیان به فلسطین به مثابه سرزمین موعود می‌نگرند. به نظر این گروه، تسلط دوباره یهودیان بر قدس در سال ۱۹۶۷ که نشانه و گامی بزرگ برای بازگشت مجدد مسیح است به این علت اتفاق افتاد که اراده الهی با یهودیان بوده و به اعتقاد آنان در آخرالزمان و پیش از ظهور مسیح، در منطقه‌ای بین فلسطین و اردن، جنگ بزرگی به نام آرماگدون روی خواهد داد که در آن دشمنان یهود و مسیح از سمت شرق خود را به منطقه آرماگدون می‌رسانند. پس از پیروزی اولیه دشمنان، مسیح موعود برای نجات یهودیان ظهور و با پایان پیروزمندانه جنگ، آنان را به مسیحیت هدایت خواهد کرد. سپس صلح و امنیت واقعی در کل جهان برقرار خواهد شد. از نظر مسیحیان صهیونیست، مسجدالاقصی و قبه صخره در بیت‌المقدس باید تخریب و به جای آن معبد بزرگ و هیکل سلیمان بنا شود و پس از جنگ، بیت‌المقدس نقش مرکزیت حکومت جهانی را بر عهده خواهد داشت. بنابراین ریشه اسلام‌هراسی در اندیشه مسیحیت صهیونیستی را تا حد زیادی می‌توان به تفاسیر تحت‌اللفظی کتاب مقدس یهودیان مربوط دانست که بر اساس آن مسلمانان همواره تهدیدی بالقوه برای امنیت رژیم صهیونیستی به شمار می‌آیند که می‌بایست نابود شوند. عوامل مختلفی از جمله موقعیت ژئوپلیتیک و ویژگی‌های فرهنگی شیعیان، نظریه خدامحوری شیعه در برابر اومانیسیم غرب، اندیشه نظام واحد جهانی و برخورد تمدن‌ها؛ ویژگی منحصر به فردی را برای شیعه فراهم نموده که با اهداف و نظریه‌های فرهنگی و سیاسی غرب مغایرت دارد و همین مسئله باعث ستیز و دشمنی مسیحیان صهیونیست با دین اسلام شده است.

بنابراین این فرقه مسلمانان را مصداق بارز ضد‌مسیح (دجال) پیش‌بینی شده در متون دینی معرفی می‌کنند و مصاف با آنان را مهمترین وظیفه پیروان خود می‌دانند. زیرا آنان حسب بسیاری از مطالعات استراتژیک درباره شرایط سیاسی، اجتماعی غرب، بررسی منابع و متون توراتی، آثار پیشگویان و قدیسان و بالأخره مطالعه منابع و متون اسلامی که حاوی روایاتی درباره آخرالزمان و ظهور منجی موعود است به خوبی دریافته‌اند که به زودی از شرق اسلامی، نهضتی عظیم حادث خواهد شد و کنترل همه شرایط را از دست یهودیان حاکم بر جهان، خارج خواهند ساخت. از این رو آنان در اقدامی پیش‌دستانه همه قوای خود را مصروف منحرف ساختن مسیر تاریخ، از بین بردن زمینه‌های قدرت یافتن مسلمانان، کنترل نقاط استراتژیک شرق اسلامی، حذف دشمنان رژیم صهیونیستی و حضور مستقیم در منطقه‌ای نموده‌اند که در آینده منجی موعود از آنجا ظهور خواهد کرد. به طوری که آنان طی سه دهه اخیر با استفاده از رسانه‌های جمعی به‌ویژه تلویزیون و سینما سعی در القای هرچه بیشتر آموزه‌های آخرالزمانی خود از طریق ساخت فیلم‌های

سینمایی، بازی‌های رایانه‌ای و ... به جامعه غرب و زمینه‌سازی ذهنی مسیحیان داشته‌اند تا چهره‌ای منفور، غیرواقعی و ظالمانه از مسلمانان در افکار مسیحیان شکل دهند. با این توضیح، شاید مهمترین دلیل انتخاب این موضوع برای تحقیق، قاعده‌ی عقلی ضرورت شناخت دشمن باشد، پس شناخت این جریان امروزه برای همه مسلمانان جهان لازم و ضروری است.

در این مقاله سعی داریم به این سؤال اصلی پاسخ دهیم که هدف اصلی اندیشه مسیحیت صهیونیستی از ترویج و تبلیغ مسئله اسلام‌هراسی چیست و این فرضیه را دنبال می‌کنیم که مسیحیت صهیونیستی جریانی فرهنگی، سیاسی و گفتمانی است که با تکیه بر آموزه‌های تلمودی، توراتی و حمایت‌های مختلف کشورهای غربی بخصوص ایالات متحده امریکا قصد دارد با ترویج اسلام‌هراسی مهمترین دشمن اسرائیل (مسلمانان) را نابود کند و باعث بقای رژیم صهیونیستی گردد. لذا متغیر وابسته در این مقاله؛ مبانی فکری مسیحیت صهیونیستی بوده و متغیرهای مستقل آن؛ مبلغان و رسانه‌های مسیحیت صهیونیستی و بقای اسرائیل است.

پیشینه تحقیق

با بررسی منابع مختلف دریافتیم در ارتباط با مسئله اسلام‌هراسی و مسیحیت صهیونیستی، پژوهش‌های فراوانی نگاشته شده است. از شاخص‌ترین منابع موجود، کتاب بنیادگرایی در اسرائیل اثر شاهاک بود که با رویکردی تاریخی جریان‌های بنیادگرا در اسرائیل را مورد تحلیل و بررسی قرار داد، اثر مهم دیگر، کتاب آرمگدون؛ از محمود نجیری است که در این کتاب تلاش شده به واقعیت و حقیقت عقیده صهیونیستی آرمگدون و چارچوب تئوریک نئوصهیونیست‌ها و تأثیر آن بر سیاست آمریکا و رابطه‌اش با رؤیای یهود، جهت حاکمیت بر جهان و اتحاد ایشان با صهیونیست‌های مؤمن به آرمگدون پرداخته می‌باشد. مورد بعدی کتاب بنیادهای سیاسی جنبش صهیونیسم مسیحی و انگاره موعودگرایی؛ از محسن قنبری‌آلاق است که کتاب حاضر به دنبال آشکار ساختن زوایای پنهان صهیونیسم سیاسی در عرصه بین‌الملل، بررسی مبانی و عملکرد جنبش صهیونیسم مسیحی، یافتن حلقه‌های پیوند صهیونیسم مسیحی با امپریالیسم یهود را تبیین می‌کند. منابع یادشده، هرچند از حیث تاریخی_نظری از قوت قابل‌ملاحظه‌ای برخوردارند، اما اطلاعات آن‌ها در ارتباط با گفتمان اسلام‌هراسی در اندیشه مسیحیت صهیونیستی نبوده است. لذا تاکنون تحقیق مستقل و جامعی در این خصوص صورت نگرفته و اغلب تحقیقات انجام شده یا بطور پراکنده به این جریان پرداخته‌اند و گاهی نیز به مسائل و مظاهر آن اشاره‌هایی اجمالی کرده‌اند. بنابراین کار درخور توجهی عرضه نشده و این موضوع کاملاً جدید و کاربردی است.

چارچوب نظری

برای بررسی اهداف گفتمان اسلام‌هراسی در اندیشه مسیحیت صهیونیستی، نیازمند روشی بودیم که بتواند همه ابعاد و اهداف را تبیین نماید و ما در میان گستره روش‌های فلسفه و زبان‌شناسی، روش تحلیل گفتمان ارنستو لاکلا^۱ و شنتال موفه^۲ را انتخاب کردیم؛ زیرا این روش به دلیل مؤلفه‌هایی مانند دال مرکزی^۳، دال‌های شناور^۴، مفصل‌بندی^۵، حوزه گفتمان‌گونگی^۶، غیریت-سازی^۷، برجسته‌سازی، حاشیه‌رانی، هژمونی و سرکوب می‌تواند به بهترین وجه، این جریان را تبیین کند. از سویی، تاکید روش گفتمان لاکلا و موفه بر عناصر زبان و هویت که در منازعه اسلام و غرب از دیرباز نقشی اساسی داشته‌اند، که جامعیت تحلیلی این گفتمان را در موضوع فوق برجسته‌تر می‌کند و روش لاکلا و موفه در زمینه گفتمان را می‌توان از کاربردی‌ترین روش‌های این حوزه دانست. آنچه تحلیل گفتمانی لاکلا و موفه را از سایر روش‌های گفتمانی متمایز می‌کند، تسری گفتمان از حوزه فرهنگ و فلسفه به جامعه و سیاست است (حسینی‌زاده، ۱۳۸۳، ۱۹۴).

در علوم سیاسی، لاکلا و موفه با بازسازی روش تحلیل گفتمان در چارچوب سنت مارکسیستی، آن را برای تحلیل جامعه پیچیده معاصر به کار گرفته‌اند به نظر آنها گفتمان، مجموعه‌ای معنادار از دال‌های به هم مرتبط است که معنای خود را از مفصل‌بندی‌های گفتمانی و در تضاد با گفتمان‌های مخالف به دست می‌آورد. گفتمان‌ها که درک افراد از واقعیت، حقیقت، هویت و رفتار اجتماعی آنها را تشکیل می‌دهد، سازه‌هایی سیاسی و مبتنی بر روابط قدرت‌اند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶، ۱۳). علاوه بر این، روش گفتمان لاکلا و موفه می‌تواند به شکل کارآمد و قابل توجه، فهم تحولات آینده را نیز بر اساس شناخت دال‌های خالی گفتمان‌های حاکم امکان‌پذیر سازد و به گونه‌ای به عرصه دانش آینده‌پژوهی ورود نماید. با چنین رویکردی، این روش می‌تواند به مثابه ابزاری برای آسیب‌شناسی و خودترمیمی گفتمان‌های هژمون مورد استفاده قرار گیرد و ادامه استیلای آنان را بر ساحت اجتماع و سیاست میسر سازد. همچنین از دیدگاهی عمل‌گرایانه، کارکرد این روش کمک به سوژه‌های سیاسی برای درک بهتر شرایط موجود اجتماعی و چگونگی سامان دادن به

۱. Ernesto Laclau

۲. Chantal Mouffe

۳. نشانه‌ای است که سایر نشانه‌ها حول آن نظم می‌گیرند. هسته مرکزی منظومه گفتمانی را دال مرکزی تشکیل می‌دهد.

۴. دال‌های شناور، نشانه‌هایی‌اند که گفتمان‌های مختلف تلاش می‌کنند تا به آنها به شیوه خاص خودشان معنا ببخشند.

۵. عبارت است از تلفیقی از عناصری که با قرار گرفتن در مجموعه جدید، هویتی تازه می‌یابند (فیلیس و یورگسن، ۱۳۸۹، ۵۶). از این رو، هویت یک گفتمان، بر اثر رابطه‌ای که از طریق مفصل‌بندی میان عناصر گوناگون پدید می‌آید (هویت ارتباطی) شکل می‌گیرد (تاجیک، ۱۳۸۳، ۴۶).

۶. عبارت است از محفظه‌ای از معانی اضافه و بالقوه در بیرون از منظومه گفتمانی خاص که توسط آن طرد شده‌اند. از طرف دیگر، مواد خاصی برای مفصل‌بندی‌های جدید مهیا می‌کنند (حقیقت، ۱۳۸۵، ۵۱۸).

۷. یکی از روشهای دستیابی به انگیزه‌های پنهان در ورای متون ادبی است که از طریق تحلیل گفتمان متن با جامعه‌شناسی و علوم سیاسی در پیوند مستقیم است. در هر گفتمان براساس منطق هم‌ارزی و منطق تفاوت می‌توان به تبیین روابط غیریت‌سازانه موجود در متون ادبی پرداخت؛

یک گفتمان جدید برای دستیابی به هژمونی است، از نظر لاکلا و موفه همه چیز درون گفتمان معنا می‌شود، هویت نیز امری گفتمانی است که گفتمان به افراد و پدیده‌های اجتماعی اعطاء می‌کند (مقدمی، ۱۳۹۰، ۱۰۲). در روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه، فهم روش گفتمان بدون فهم مفاهیم ضدیت و غیریت، ناممکن است. گفتمان‌ها اساساً در ضدیت و تفاوت با یکدیگر شکل می‌گیرند. هویت‌یابی گفتمان، صرفاً در تعارض با گفتمان‌های دیگر امکان‌پذیر است. روز را تنها در تعارض با شب می‌توان درک کرد؛ هویت روز وابسته به شب است و برعکس. هویت تمامی گفتمان‌ها نیز منوط و مشروط به وجود غیر آنها است، از این رو گفتمان‌ها، همواره در برابر خود غیریت‌سازی می‌کنند (کسرای و شیرازی، ۱۳۸۸، ۳۴۷). از سویی، تأکید این روش بر عناصر زبان و هویت که در منازعه اندیشه غرب و شرق از دیرباز نقشی اساسی داشته، جامعیت تحلیلی این گفتمان را در موضوع فوق برجسته‌تر می‌کند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶، ۱۳).

اسلام‌هراسی

اصطلاح دویخشی اسلام‌هراسی^۱ از پیوند کلمه اسلام و پسوند فوبیا تشکیل شده است. واژه فوبیا در لغت‌نامه پیشرفته آکسفورد اینگونه تعریف شده است: ترس یا نفرت شدید و غیرمنطقی از چیزی؛ بدین صورت تعریف اسلام‌هراسی می‌شود: ترس یا نفرت شدید و غیرمنطقی از اسلام (مجیدی و صادقی، ۱۳۹۳، ۲۱).

در ابتدا اغلب منابع اطلاعاتی که مسیحیان در دست داشتند، ویژگی‌های شیعه را به صورت وارونه برای آنها بیان می‌کرد. یکی از این منابع دائرةالمعارف امریکانا^۲، قدیمی‌ترین دائرةالمعارف انگلیسی زبان جهان است که به وسیله یک آلمانی به نام فرانسیس لیبر^۳ در سال ۱۸۲۹ پایه‌گذاری شد. مقالاتی که در این دائرةالمعارف نوشته شده، ۶۵۰۰ مورد بوده که از این تعداد، ۹۳ مورد درباره تشیع و شیعیان است که ۲۲ مورد از آن نیز بدون نام نویسنده است و بقیه اطلاعاتی نادرست درباره شیعه ارائه می‌دهد؛ از جمله، ویلیام تیری، وقایع‌نگار معروف در جنگ‌های صلیبی، شیعه را فرقه‌ای می‌داند که معتقد به پیامبری حضرت علی (ع) است و جبریل را خائن می‌داند؛ چون پیام‌الهی را به حضرت محمد (ص) رسانده است. وقایع‌نگار دیگر جنگ‌های صلیبی، ژاک دوویتی نوشته: که امام علی (ع) و شیعیان او به پیامبر افترا بستند و شریعت او را مورد هجوم قرار دادند (تقی‌زاده داور، ۱۳۸۲، ۱۱)؛

اولین بار آلفونسه دین^۴ نقاش فرانسوی و سلیمان بن ابراهیم روشنگر الجزایری، اسلام‌هراسی را در بیوگرافی پیامبر اسلام و برای توصیف اسلام‌هراسی در فرانسه استفاده شد (Allen, 2010).

1. Islamophobia
2. Americana encyclopedia
3. Francis Libber
4. Alphonse-Etienne Dinet

5) با این حال، طبق لغت‌نامه انگلیسی آکسفورد، واژه اسلام‌هراسی برای اولین بار در مقاله مجله مطالعات الهیات سال ۱۹۲۳ ثبت شده و این اصطلاح با انتشار گزارش مؤسسه رانیمدتراست^۱ به حوزه عمومی وارد شد. (ویکی پدیای انگلیسی، اسلام‌هراسی)

این در حالی است که رویین ریچاردسون تأکید می‌کند: واژه اسلام‌هراسی به زبان انگلیسی را برای اولین بار ادوارد سعید در مقاله‌ای با عنوان مطالعه مجدد عقاید شرقی در سال ۱۹۸۵ به کار برده است. مدرک دیگری که نشان‌دهنده استفاده از این اصطلاح است، مربوط به مجله محافظه‌کار امریکایی با نام *Insight on the News* در فوریه ۱۹۹۱ است که به دشمنی ضداسلام‌گرایی در اتحادیه جماهیر شوروی اشاره می‌کند (Richardson, 2009, 3).

بنابراین اسلام‌هراسی، ترسی واهی در میان سیاست‌مداران و افراد عادی است، مبنی بر اینکه دنیای اسلام به طور اعم و مسلمانان مقیم کشورهای غربی به طور اخص منشأ خطر برای مردم و فرهنگ و تمدن غربی تلقی می‌شوند. این ترس نامعقول و واهی از اسلام و مسلمانان به ناشکیبایی ضد مسلمانان کشورهای غربی دامن زده است و به طور کلی اسلام‌هراسی بر این مطلب دلالت دارد که اسلام هیچ اشتراکی با دیگر مذاهب و فرهنگ‌ها ندارد، دینی خشونت‌بار، متحجر و نابردبار است و تمدن اسلامی نسبت به تمدن غربی در درجه پایین‌تری قرار دارد؛ بر این اساس، مسلمانان همواره تهدیدکننده ارزش‌های ملی و فرهنگ غربی معرفی می‌شوند. امروزه این فضای ضداسلامی تاحدی پیش رفته که در برخی از پژوهش‌ها، اسلام‌هراسی بعنوان شکلی از نداشتن تساهل در کنار بیگانه‌هراسی و یهودی‌ستیزی شناخته می‌شود. در واقع اسلام‌هراسی مفهومی است که به ترس و پیش‌داوری و تبعیض غیرعقلانی در قبال اسلام و مسلمانان اشاره می‌کند (سیدامامی و حسینی فائق، ۱۳۹۰، ۱۰۱).

مهمترین مبلغان و رسانه‌های مسیحیت صهیونیستی در ترویج اسلام‌هراسی

در میان مسیحیان صهیونیست برخی از شخصیت‌ها مانند پت رابرتسون، جان هاگ، فرانکلین گراهام و برخی رسانه‌ها مانند شبکه تلویزیونی فاکس‌نیوز، واشنگتن‌تایمز، مجله نشنال ریویو، بنیاد کلاریون و شبکه تلویزیونی مسیحیان از نفوذ بیشتری در ترویج اسلام‌هراسی برخوردار بوده‌اند که در ادامه دیدگاه‌های هر کدام از این افراد و رسانه‌ها را به تفکیک مورد بررسی قرار می‌دهیم.

1. Runnymede Trust

| ردیف | نام | سمت | دیدگاه و نظرات |
|------|--------------------|--|---|
| ۱ | پت رابرتسون | پایه‌گذار ائتلاف مسیحیت مؤسس شبکه تلویزیونی مسیحیان مؤسس دانشگاه ریگنت مؤسس مرکز امریکایی قانون و عدالت ^۱ مجری برنامه باشگاه هفتصدتایی‌ها | <p>پت رابرتسون شبکه تلویزیونی مسیحیان را در ۱۹۶۱ تأسیس کرد و از آن زمان وی توانسته از ادعاهای ماجراجویانه ضدمسلمانان و اسلام حمایت کند.</p> <p>رابرتسون در برنامه باشگاه ۷۰۰تایی‌ها، مسلمانان را با نازی‌ها مقایسه کرده و اسلام را نظام سیاسی خشنی نامیده است که می‌کوشد همه دولت‌های دنیا را سرنگون کند و به سلطه‌ای جهانی دست یابد. رابرتسون این سؤال را مطرح می‌کند که چرا ما نمی‌توانیم علیه نهادی صحبت کنیم که در بی تسلط بر ما و در حال تحمیل قانون شریعت و تحت پوشش قرار دادن ما به عنوان بخشی از خلاقیت جهانی است. (Mantyla, 2009)</p> <p>رابرتسون که مجری برنامه باشگاه هفتصدتایی‌ها در شبکه رادیویی مسیحیت بود، از این برنامه برای پیشبرد ایدئولوژی‌های مذهبی-سیاسی اندیشه مسیحیت صهیونیستی خود بهره می‌برد. مرکز امریکایی حقوق و عدالت رابرتسون نیز که در سال ۱۹۹۰ برای مقابله با اتحادیه آزادی‌های مدنی آمریکا پایه‌گذاری شد به گفته رهبران آن، برای دفاع از آزادی-های مذهبی ایجاد شده است. اما این مرکز بیشتر از همه بر اسلام تمرکز داشته و می‌کوشد تا به طرز مؤثری جامعه ادیان غیرمسیحی را از حقوق حمایت شده قانونی‌شان محروم کند.</p> <p>مرکز امریکایی قانون و عدالت همچنین با شبکه خبری فاکس نیوز و باتریک بول^۲ نویسنده رسانه‌ای وبلاگ Pajamas همکاری می‌کند تا خبرهایی را درباره نفوذ الفوقه اسلام‌گراهای افراطی به کنگره مسلمانان جعل کند.</p> <p>مرکز امریکایی قانون و عدالت با بنیاد برای آمریکا عمل کنید نیز همکاری‌های زیادی دارد تا جامعه آمریکا را درباره خطر مسلمانان و اسلام آگاه کند.</p> |
| ۲ | جان هاگ | مؤسس جبهه متحد مسیحیان برای رژیم صهیونیستی مدیرعامل تلویزیون جهانی اوانجلیک‌ها بنیانگذار تشکلی فراکلیسایی با نام کورنور استون | <p>برخی نظرات وی عبارت است از:</p> <p>خانم‌ها و آقایان محترم، آمریکا در حال جنگ با اسلام افراطی است. جهاد در حال سرایت به امریکا است. اگر ما جنگ با فاشیسم را ببازیم، این جریان، جهانی را که می-شناسیم، تغییر خواهد داد.</p> <p>آنها (مسلمانان)، از زمان عجین شدن با پستان‌های مادرانشان یاد می‌گیرند که از ما متنفر باشند. اسلام افراطی، نوعی خط‌مشی برای مرگ است. مرگ آرزوی آنهاست، مرگ آمل آنهاست و بزرگترین افتخارشان این است که در جنگ با کافران بمریند و شما کافران هستنید و هیچ مؤلفه‌ای وجود ندارد که شما را با آنها همسان کند.</p> <p>فرقه‌های افراطی اسلام که شامل ۲۰۰ میلیون مسلمان است، اعتقاد دارند که از جانب خدا برای کشتن مسیحیان و یهودیان فرمان دارند (Brown, 2006).</p> <p>جان هاگ همچنین بر مداخله آمریکا ضد ایران اصرار دارد، زیرا او باور دارد که ایران به نابودی تمدن غرب متعهد است (Posner, 2011).</p> |
| ۳ | فرانکلین گراهام | پسر بیلی گراهام، مشهورترین و پرنفوذترین اوانجلیک جهان رئیس اتحادیه پروتستان‌های مسیحی بیلی گراهام | <p>او بعد از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر در واشنگتن و نیویورک سیتی، اسلام را دینی کاملاً شیطانی و جادویی نامید.</p> <p>گراهام در اکتبر ۲۰۱۰ در مناظره برنامه تاوان‌هاال شبکه خبری ABC و با عنوان آیا امریکایی‌ها باید از اسلام بترسند؟ شرکت کرد. گراهام در این برنامه تأکید کرد، مسلمانان می‌خواهند مساجد و مراکز فرهنگی متعددی را احداث کنند و همانگونه نیز می‌توانند بسیاری از امریکایی‌ها را مسلمان کنند! من این موضوع را می‌دانم (Mac Niol, 2010)</p> |

| ردیف | نام رسانه | نوع فعالیت |
|------|--------------------------|--|
| ۱ | شبکه تلویزیونی فاکس-نیوز | <p>این شبکه یکی از بزرگترین و پرنفوذترین شبکه‌های تلویزیونی در امریکاست.</p> <p>مسیحیان اوانجلیست از این شبکه برای تقویت تهدیدهای هشداردهنده ضدمسلمانان و تئوری‌های توطئه‌آمیز بر اساس قواعد معین استفاده می‌کنند. تقریباً همه بازیگران برجسته جریان اسلام‌هراسی در برنامه‌های محبوب فاکس‌نیوز، مانند هانتی^۱ و فاکس و دوستان، ظاهر می‌شوند. (Ali et al, 2014, 98).</p> <p>این شبکه خبری از نیوت گینگریج آسختگویی پیشین مجلس نمایندگان در جایگاه مفسر بهره می‌برد و وی همواره از عقاید ضداسلامی حمایت می‌کند. او بعد از اینکه شش امام جماعت مساجد پرواز مینه‌بولیس بازداشت شدند، خواهان جلوگیری از آزادی بیان برای اشاعه پیام‌های تروریست‌ها شد. (Ali et al, 2014, 96).</p> <p>بازیگران جریان اسلام‌هراسی در برنامه‌های فاکس‌نیوز، اظهارهای یکدیگر را انعکاس می‌دهند و تهدیدهای مشابهی که در رادیو، وبلاگ‌ها، روزنامه‌ها و مجلات آنلاین بیان کرده‌اند به طور پیاپی تکرار می‌کنند. عمده‌ترین تهدیدهای آنها عبارتند از اینکه مسلمانان در حال تحمیل شریعت در امریکا هستند، مسلمانان در حال تثبیت خلافت جهانی هستند، مسلمانان مشغول جهاد در امریکا هستند و مسلمانان در حال نفوذ به دولت آمریکا هستند تا از دستور کار اسلام‌گرایی خطرناک حمایت کنند. (Ali et al, 2014, 96).</p> <p>در نظرسنجی مؤسسه‌ای تحقیقاتی که درباره ارتباط بین دیدگاه‌های افراطی در خصوص مسلمانان و اسلام از یک سو و اخبار فاکس‌نیوز از سوی دیگر، منتشر شده، نتایج معنادار و درخور توجهی در رابطه با اسلام‌هراسی ارائه گردید: ۱. شهروندان آمریکایی که بیشترین اعتماد را به اخبار فاکس‌نیوز دارند، باور پیدا کردند که مسلمانان می‌خواهند قانون شریعت را تثبیت کنند، اقدام کافی برای مخالفت با افراط‌گرایی در امریکا انجام نمی‌شود و نیز تاکید کردند بررسی افراط‌گرایی اسلامی ایده خوبی است. ۲. تقریباً جمهوریخواهان دو برابر دموکرات‌ها باور دارند که مسلمانان می‌خواهند قانون شریعت را در امریکا تثبیت کنند و ۳۰ درصد پروتستان‌های سفیدپوست و ۲۲ درصد کاتولیک‌های سفیدپوست این ایده را تأیید می‌کنند. ۳. بیش از سه‌چهارم افرادی که به اخبار فاکس‌نیوز اعتماد دارند، بر این باورند که دیدگاه‌های سناتور جمهوریخواهی چون پیتر کینگ درباره افراطی شدن مسلمانان ایده بسیار خوبی است. (Ali et al, 2014, 98).</p> |
| ۲ | واشننگتن تایمز | <p>واشننگتن تایمز روزنامه و وبسایتی با گرایش‌های محافظه‌کارانه است که سان میونگ مون^۲، بنیانگذار کلیسای اتحاد آن را راه‌اندازی کرده است. واشنگتن تایمز به لحاظ اجتماعی و سیاسی اخبار محافظه‌کاران و شبکه‌های اسلام‌هراسی را پوشش می‌دهد و از آن حمایت می‌کند.</p> <p>واشننگتن تایمز به پوشش دیدگاه‌های دیوید پروشالمی درباره مساجد امریکا نیز کمک فراوانی کرده است. واشنگتن تایمز صفحه‌ای را نیز برای حمله به ساختمان پارک ۵۱ اختصاص داده و برخی مقاله‌نویسان این روزنامه در خصوص خیالیابی در مورد اینکه باراک اوباما مسلمان است، فعال هستند. (Ali et al, 2011, 100).</p> |
| ۳ | مجله نشنال ریویو | <p>نشنال ریویو را که هر دو هفته یک بار منتشر می‌شود، در ۱۹۵۵ ویلیام باکلی که از نیروهای محافظه‌کاران آمریکایی است، راه‌اندازی کرد. این مجله دیدگاه‌ها و اخبار وبسایت‌ها و سایر رسانه‌های محافظه‌کار را که بر ضد مسلمانان و اسلام است پوشش می‌دهد و بلندگوی این جریان در جامعه امریکاست.</p> <p>مجله نشنال ریویو «همچنین مقالاتی از آندره مک کارتی، نویسنده کتاب جهاد بزرگ، اسلام و چپ‌گراها چگونه امریکا را تخریب می‌کنند، منتشر می‌کند. مک کارتی نویسنده گزارش‌های مرکز سیاست امنیتی درباره تهدید شریعت برای امریکا نیز می‌باشد، وی در ستون مقالاتش در این مجله ادعاهایش درباره تهدید شریعت را به طور مکرر بیان می‌کند» (Mc Carthy, 2010).</p> |

1. Hannity
2. Newt Gingrich
3. Sun Myung Moon
4. David Yerushalmi

| ردیف | نام رسانه | نوع فعالیت |
|------|-------------------------------------|---|
| ۴ | بنیاد کلاریون ^۱ | <p>■ بنیاد کلاریون سازمان غیرانتفاعی مستقلی در شهر نیویورک است که تلاش می‌کند به امریکایی‌ها آموزش‌هایی درباره موضوعات امنیت ملی با تمرکز بر حوزه تهدیدهای اسلام افراطی را ارائه کند. این سازمان را فردی کانادایی_صهیونیست به نام خاخام رافائل شور آبنیان نهاده است. بنیاد کلاریون همچنین مستندی به نام جهاد سوم منتشر کرده که در آن شخصیتی ضداسلامی مانند زهدی یاسر، کارگوبندی آن را برعهده گرفته و هدف اصلی از تولید این فیلم مستند، آموزش مسائل تروریستی به مأموران پلیس بوده است" (دهشیری، ۱۳۹۲، ۱۳۱).</p> |
| ۵ | شبکه تلویزیونی مسیحیان ^۲ | <p>■ این شبکه تلویزیونی نفوذ کمتری در مقایسه با شبکه خبری فاکس نیوز دارد؛ اما دارای تأثیر بیشتری در میان مخاطبان مذهبی محافظه‌کار دارد. این شبکه دیدگاه‌های ضداسلامی را در میان مخاطبان مسیحی به شدت تقویت می‌کند و در بعضی از موارد حتی نظرات بسیار افراطی تری، در قیاس با فاکس نیوز دارد. (Ali et al, 2011, 99)</p> <p>■ یکی دیگر از شخصیت‌های شبکه تلویزیونی مسیحیت اریک استاکل بک^۳ مجری برنامه استاکل بک و ترور است. استاکل بک در مقام نویسنده و تحلیلگر در پروژه پژوهشی تروریسم با استیون امرسون همکاری کرد و از برنامه تلویزیونی خود برای تکرار ادعاهای کذب امرسون که شامل نقل قول و استفاده از اطلاعات غلط وی بوده بهره گرفت. استاکل بک در ژوئن ۲۰۱۱، فرانک گافنی، وال-تی ویلیام^۴ و ژنرال بویکین^۵ از چهره‌های مشهور اسلام‌ستیز را در برنامه خود دعوت کرد تا تهدید شریعت برای امریکا را بررسی کنند. گفنی است ژنرال بویکین چند سال قبل در ژوئن ۲۰۰۳ در حالی که لباس نظامی پوشیده بود، در برنامه‌ای تلویزیونی ظاهر شد و با بیان اینکه باید روح ارتش برای نبرد با اسلام باشد و مسلمانان از امریکا متنفر هستند، قانون وزارت دفاع را نقض کرد. او همچنین مباحثات می‌کند که خدای او خدای واقعی است، در حالی که خدای مسلمانان دغل‌باز است. (Ali et al, 2011, 99)</p> |

اسلام‌هراسی در اندیشه مسیحیت صهیونیستی

مجریان جریان اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی در سطح جهان بی‌شمارند که نظرات هر کدام برگرفته از نوعی ایدئولوژی ضددینی یا جریانات سیاسی بوده و مسیحیان صهیونیست از مهمترین آنها می‌باشند. مسیحیان صهیونیست با توجه به تجربه تاریخی خاصی که در مورد نقش و دخالت دین در عرصه اجتماع طی سده‌های میانه به دست آوردند به دخالت ادیان در زندگی اجتماعی حساس هستند و امروزه با توجه به نقش اجتماعی گسترده دین اسلام در غرب، حساسیت ویژه‌ای در مورد گسترش اسلام‌گرایی شکل گرفته است. بسیاری از مسیحیان صهیونیست بر این باورند که اسلام، دین خشونت و رکود است و از این رو، مسلمانان نیاز به رنسانس و اصلاحاتی دارند که در جهان غرب اتفاق افتاده و نقش دین اساساً تغییر کرده است (آجیلی، ۱۳۹۷، ۸۴). مسیحیان صهیونیست در دهه‌های آخر قرن بیستم میلادی (به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی) دریافتند که ایده مهدویت و فرهنگ ولایی اصیل که توسط شیعیان مطرح می‌شود، از استعداد بالقوه و شگرفی برای تهدید فرهنگ و تمدن الحادی و سیاست استکباری غرب و اسرائیل برخوردار است و به عنوان طرحی جایگزین فرهنگ لیبرالیستی، می‌تواند جاذب عموم مردم سرخورده جهان غرب شود؛ از این رو مخدوش ساختن چهره این فرهنگ، القای این معنا که آینده از آن فرهنگ

1. Clarion Fund
2. Raphael Shore
3. The Christian Broadcasting Network
4. Erick Stakelbeck
5. Lt William
6. Gen Boykin

لیبرالیستی است و بیهوده جلوه دادن هرگونه تلاش برای تغییر وضع موجود، در دستور کار مسیحیت صهیونیستی در بخش‌های فرهنگی و سیاسی قرار گرفت و به عبارت دیگر آنها دریافتند که ایده مهدویت مسلمانان می‌تواند کیان فرهنگی و مدنی آنان را با چالش جدی و بنیان‌کن روبه‌رو کند؛ چنان که در یک قرن گذشته، انگلستان با فرقه‌سازی (بهائیت، باییت، شیخیه و ...)

سعی در ایجاد تفرقه و انحراف میان شیعیان و پیروان سایر مذاهب داشته و برحسب برخی آمارها طی سی سال گذشته بیش از ۲۵۰۰ فرقه شبه‌مذهبی در جهان ایجاد شده است. می‌توان گفت از زمان برگزاری کنفرانس دهه هشتاد تل‌آویو، مقابله با حاق فرهنگ اصلاح‌طلبانه (فرهنگ ولایی شیعه) و عوامل مبلغ آن، بدل به مهمترین استراتژی مسیحیان صهیونیست برای حفظ نظام سلطه خود در سرزمین‌های شرق اسلامی و سایر بلاد گردید. به‌زعم آنان، ارائه چهره‌ای ناپسند از موعود مقدس و معرفی مسلمانان و شیعیان به عنوان وحشت‌آفرینان تروریست، می‌تواند راه خلاصی از بن‌بست و بحران فراگیر قرن جدید باشد؛ چنان که عموم فیلم‌سازان هالیوود، ارائه تصویری منفی از مسلمانان را یکی از وظایف خویش می‌دانند (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۰، ۹۳-۹۱). پس مسیحیان صهیونیست از ابزار رسانه به دلیل نفوذ و تأثیر عمیق بر افکار عمومی، جهت التهاب‌آفرینی و تحریک اذهان و ترغیب دولت‌مردان به اعمال سیاست‌های تبعیض‌آمیز و فشارهای مدنی، حقوقی و روانی علیه مسلمانان استفاده می‌کنند، از این رو، تردیدی نیست که بخش قابل توجهی از گفتمان و فضای اسلام‌هراسی موجود در غرب، ناشی از عملکرد احساسی رسانه‌های وابسته به آنان است به اعتقاد برخی تحلیل‌گران، نحوه بازنمایی اسلام در این رسانه‌ها، خود یکی از عوامل مؤثر در تشدید و گسترش موج اسلام‌هراسی و ایجاد تقابل و تعارض در سطوح فرهنگی-اجتماعی غرب شده است (آجیلی، ۱۳۹۷، ۸۵).

براساس نظرسنجی‌های مؤسسات معتبری همچون گالوپ^۱ و پيو در بیشتر کشورهای غربی تا قبل از حملات ۱۱ سپتامبر، روند اسلام‌هراسی در سطح بسیار کوچکی دنبال می‌شد و اغلب افکار عمومی دیدی خوش‌بینانه به مسلمانان داشتند؛ اما بعد از این اقدام تروریستی، اسلام‌هراسی به عرصه عمومی کشانده شده و از طرف سیاست‌گذاران، احزاب، رسانه‌ها و نیروهای فکری به شکل گسترده‌ای دنبال شد و با تداوم اقدامات تروریستی در متروی لندن، متروی مادرید، قتل کارتون‌نویس‌های نشریه شارلی ابدو در پاریس و ظهور گروه‌های بنیادگرای افراطی مانند داعش، جبهه‌النصره، بوکوحرام، الشباب و ... در خاورمیانه و آفریقا، دید منفی به مسلمانان افزایش یافت. (شیرغلامی، ۱۳۹۰، ۱۰۰۴)

مسیحیان صهیونیست قصد داشتند با پخش اخبار مربوط به جنگ داخلی در عراق، سوریه و یمن و ویدئوهای کشتار مردم از سوی گروه‌های تروریستی، القا کنند که چنین گروه‌هایی نماینده و صدای اسلام و مسلمانان هستند و پیروان دین اسلام با ارتکاب خشونت، کشتار، غارت و زن

1. Gallup

ستیزی، فاقد هرگونه ارزش‌های انسانی و مدنیت هستند. در بیشتر رسانه‌های غرب، ویدئوهای اعدام گروهان‌های امریکایی، ژاپنی و انگلیسی، آتش زدن معاذالکسابیه (خلبان اردنی) و کشتار دسته‌جمعی نظامیان و غیرنظامیان اسیر شده از سوی داعش به طور مکرر پخش می‌شد. این تصاویر این کلیشه را در افکار عمومی و اذهان سیاست‌مداران کشورهای غربی نهادینه می‌کرد، که در دین اسلام آموزه‌های خشونت‌زایی نهفته و کسانی که خود را پیروان حقیقی پیامبر اسلام (ص) معرفی می‌کنند، جز غارت و قتل و نابودی تمدن‌ها، سودای دیگری در سر ندارند. زمانی که شبه‌نظامیان داعش با حمل پرچم‌های سیاه رنگ با شعار لا اله الا الله محمد رسول الله، ایزدی‌ها را به اسارت گرفتند و به جای برده فروختند، شیعیان را تکفیر کردند و آنها را به روش‌های مختلف به قتل رساندند، آثار باستانی ارزشمند را در عراق و سوریه تخریب کردند، میدان تئاتر شهر تاریخی تدمر در سوریه را به صحنه قتل نظامیان سوری تبدیل کردند و هر کسی را که با باورهای متصلب و خشک‌اندیش آنها مخالف بود به سخت‌ترین روش‌های ممکن اعدام کردند، چهره اسلام و مسلمانان در افکار عمومی و رسانه‌ای لکه‌دار شد و امروزه به همین علل تشدید جریان اسلام‌هراسی در غرب چندان عجیب و غریب جلوه نمی‌کند. لذا مسیحیان صهیونیست همواره نقش بسزایی در ترویج اسلام‌هراسی در غرب ایفا کرده‌اند و با کمک دولت‌مردان غربی از گروه‌های بنیادگرای افراطی مانند داعش استفاده کردند تا اسلام را با تروریسم یکسان فرض کرده و مسلمانان را مظنون اصلی قلمداد کنند و با جنایت‌هایی که در کشورهای اسلامی و حملات تروریستی که در غرب انجام دادند، چهره اسلام را خدشه‌دار کرده و زمینه تشدید این جریان را فراهم نمودند.

همچنین مسیحیان صهیونیست به دیگر کنشگران مانند رسانه‌ها، احزاب راست افراطی، گروه‌های غیرسازمان یافته، اتاق‌های فکر و برخی روشنفکران جهان کمک کردند تا توجیه و بهانه‌های لازم برای اقدامات اسلام‌ستیزی را به دست آورند و وضعیت زندگی مسلمانان را در غرب سخت و سخت‌تر کنند. بنابراین جریان اسلام‌هراسی در غرب متأثر از فعالیت افراد و گروه‌ها و سازمان‌های متعددی است که هر کدام با اتخاذ شیوه‌هایی در راستای هدفی واحد گام برمی‌دارند (آجیلی، ۱۳۹۷، ۸۷). بنابراین هدف اصلی مسیحیان صهیونیست از گسترش شیعه‌ستیزی و شیعه-هراسی و تبلیغ بر ضد تشیع، منزوی نمودن شیعیان و جلوگیری از قدرت‌یابی روزافزون آنان و توجیهی برای اقدامات و جنگ‌های پیشگیرانه خود در منطقه غرب آسیا است که برای رسیدن به اهداف خود از انواع تاکتیک‌ها از جمله استفاده فراگیر از رسانه، تحریم‌های اقتصادی، اقدامات نظامی، هجوم گسترده فرهنگی، کمک به ایجاد و گسترش گروهک‌های تکفیری و حمایت از آنها برای مقابله با شیعیان، تحریک حکومت‌های مرتجع عربی در خاورمیانه برای مقابله با شیعه، تلاش برای براندازی نظام اسلامی با حمایت معاندان داخلی در ایران و سایر طرف‌دها و توطئه‌ها بر ضد تشیع برای حمایت از رژیم صهیونیستی استفاده کرده‌اند. (فهیمی، ۱۳۹۷، ۱۳۰)

اهداف مسیحیان صهیونیست از ترویج مسئله اسلام‌هراسی

۱. جلوگیری از گسترش اسلام در غرب

به اعتقاد مسیحیان صهیونیست به دلیل حجم وسیع مهاجرت به کشورهای غربی پس از جنگ جهانی دوم به ویژه از کشورهای مسلمان آسیایی به کشورهای اروپایی و آمریکا، ترکیب جمعیتی این کشورها به نفع اقلیت‌های اسلامی و آسیایی تبارها چرخش قابل توجهی پیدا کرده است. به گونه‌ای که در حال حاضر، بزرگترین اقلیت‌های مذهبی در کشورهای غربی، مسلمانان هستند. در ایالات متحده آمریکا تعداد مسلمانان بیش از ده میلیون نفر تخمین زده می‌شود و رشد جمعیت مسلمانان در این کشور حدود شش درصد ارزیابی می‌شود و ایالت‌های میشیگان و تگزاس بیشترین تعداد مسلمانان را دارند. حدود ده درصد جمعیت فرانسه، یعنی حدود شش میلیون نفر و یک‌چهارم جمعیت شهر ماریسی را مسلمانان تشکیل می‌دهند. در آلمان نیز تعداد مسلمانان این کشور حدود پنج میلیون نفر برآورد می‌شود که از این تعداد حدود سه میلیون نفر آن ترک تبار هستند. بر اساس تحقیقات مرکز تحقیقاتی پیو، رشد جمعیت مسلمانان در اروپا به حدود شش درصد رسیده است. این مؤسسه پیش‌بینی کرده است، انگلستان در آینده بیشترین افزایش مسلمانان در اروپا را خواهد داشت. این موضوع با توجه به رشد منفی جمعیت مسیحیان در اروپا موجب هراس از تشکیل اروپای مسلمان در آینده نزدیک شده است و در سال‌های اخیر علاوه بر افزایش رشد جمعیت و مهاجرت مسلمانان به غرب، تعداد افرادی که به اسلام گرایش پیدا کرده‌اند نیز با گسترش بی‌سابقه مراکز اسلامی، سیر صعودی یافته و موجب شده اسلام‌هراسی در صدر سیاست‌های کشورهای غربی قرار گیرد. (آجیلی، ۱۳۹۷، ۱۹۶).

۲. جلوگیری از بیداری اسلامی و احیای هویت مسلمانان

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران که موجب گسترش و توسعه بیداری اسلامی و کنشگری فعال مسلمانان در قبال تبعیض و بی‌عدالتی شد. در واقع این پیروزی موجب دمیدن روحی جدید در کالبد بی‌روح جنبش‌های اسلامی معاصر شد که در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم به فترت و سکون کشیده شده بودند. بازگشت به اسلام اصیل و همبستگی و انسجام دینی و هویتی در سال‌های اخیر، موجب گسترش بیداری اسلامی و احیای جنبش‌های اسلامی از فلیپین در شرق آسیا تا غرب اروپا گردیده است. لذا این امر موجب شده تا مسیحیان صهیونیست به این نتیجه برسند که باید در برابر سیل بیداری اسلامی و بازبانی هویت مسلمانان ایستاد و با آن مقابله کنند؛ از این رو تلاش می‌کنند با حمله به مقدسات اسلامی از جمله وجود مقدس پیامبر عظیم‌الشأن اسلام و قرآن کریم، جایگاه مقدسات را کمرنگ کنند.

۳. سروشی بر ناکارآمدی نظام‌های سیاسی در غرب

در حال حاضر مسیحیان صهیونیست با اتخاذ رویکردهای یوپولیستی سیاست تقابل جدی و مقابله با اسلام را در دستور کار خود قرار داده‌اند. زیرا این امر می‌تواند اذهان و افکار عمومی مسیحیان جهان را از ناکارآمدی و مشکلات جدی نظام‌های سیاسی غرب به سوی پدیده‌ای به نام اسلام‌هراسی منحرف کند تا فشار ناشی از ناکارآمدی‌ها و نارسایی‌های موجود را کاهش دهند. به‌ویژه اینکه در کشورهایی مانند آمریکا، فرانسه، آلمان و بلژیک که سردمدار اهانت به مقدسات اسلامی هستند، جریان‌های راست‌افراطی به دنبال کسب آرای مردم و افکار عمومی هستند تا با پررنگ کردن وجود دشمن مشترک بتوانند آرای لازم را برای ورود به مجلس و کسب قدرت در دولت‌های خود کسب کنند (دهشیری، ۱۳۹۲، ۱۲۲).

۴. مبارزه با اسلام به عنوان دین پویا

مسیحیان صهیونیست معتقدند نظام غرب از دهه ۱۹۹۰ با ارائه نظریه برخورد تمدن‌های ساموئل هانتینگتون و نظریه پایان تاریخ فرانسیس فوکویاما وارد منازعه جدی و اساسی با اسلام در حوزه معرفتی شده‌اند. منازعه اسلام و غرب دو لایه عمیق و زیرین و لایه سطحی و ظاهری دارد. این منازعه در لایه زیرین که کاملاً سبکه دینی و ایدئولوژیک دارد، در قالب تنازع بین پست‌مدرنیته و اسلام نمایان شده است. با عنایت به اینکه جریان پست‌مدرنیته به این نتیجه رسیده است که اسلام و ویژگی‌های برجسته‌ای برای تمدن‌سازی و گفتمان‌سازی دارد و ماهیت این مکتب الهی به‌گونه‌ای است که به سرعت توسعه پیدا می‌کند، لذا پست‌مدرن چون توانایی منازعه مستقیم معرفتی را با تمدن اسلام ندارد، تلاش می‌کند تا ستیز و منازعه خود را در لایه سطحی و ظاهری انجام دهد؛ چرا که منازعه در لایه زیرین و در حوزه معرفتی موجب شکست آنها خواهد شد؛ به همین دلیل به دنبال این هستند که اسلام را دینی متحجر و خشن نشان دهند تا نگاه افکار عمومی به مبانی معرفتی تمدن‌ساز اسلام نگاهی نفرت‌انگیز شود، نه نگاه سازنده و پویا (آجیلی، ۱۳۹۷، ۲۱۱).

۵. ایجاد تقابل و شکاف بین مسلمانان در غرب

به اعتقاد آنان، ورود به عرصه منازعه و ستیز با تمدن اسلامی نیازمند آزمودن میزان همبستگی و انسجام در جهان اسلام است. که با وجود تنوع نژادی، قومیتی، زبانی و مذهبی در بین مسلمانان مقیم کشورهای غربی همواره شاهد نوعی انسجام و همبستگی حول یک هویت جمعی واحد هستیم. که همانا وجود مقدس پیامبر اسلام (ص) به منزله عامل وحدت‌بخش بین مسلمانان که موجب نوعی اتحاد و همبستگی بین مسلمانان جهان شده و می‌تواند در مواقع لازم آنها را متحد کند و این همبستگی مسیحیان صهیونیست را هراسان کرده است. بنابراین با توسعه روزافزون گرایش به اسلام و تمایل افکار عمومی غرب برای آشنایی بیشتر با آموزه‌های اسلامی موجب

شده که آنان با استفاده از رسانه‌های جمعی، تصویری خشن از اسلام ارائه دهند تا مذاهب مختلف در بین مسلمانان یکدیگر را به توسعه خشونت متهم کنند و از این طریق بتواند دودستگی را بین آنها توسعه دهند (دهشیری، ۱۳۹۲، ۱۲۵).

۶. انحراف افکار عمومی از خاستگاه تشکیل گروه‌های تروریستی تکفیری

یکی دیگر از شگردهای مسیحیان صهیونیست این است که افکار عمومی را به مسائل فرعی مشغول کنند تا از مسائل اصلی منحرف شده و در برابر آن واکنش نشان ندهند. مسیحیان صهیونیست که بنیانگذار و حامی گروه‌های تکفیری و تروریستی در جهان هستند با اهانت به ساحت مقدس پیامبر اسلام (ص) در تلاش هستند تا افکار عمومی را به مسائل فرعی و حاشیه‌ای مشغول کنند و ابهامات درباره خاستگاه گروه‌های تروریستی بعد از مدتی به فراموشی سپرده شود. مسیحیان صهیونیست برای انحراف افکار عمومی از عملکرد نظام‌های غربی در توسعه و گسترش جنگ و خونریزی در غرب آسیا به دنبال پر رنگ کردن مسائلی هستند که افکار عمومی غرب نسبت به آن حساسیت دارند، بنابراین وحشت از گروه‌های خشن و تروریستی می‌تواند بهترین حربه برای آنان باشد (آجیلی، ۱۳۹۷، ۲۱۰).

پیشنهادها و راهکارها مقابله با ترویج اسلام‌هراسی

- تمامی مراکز علمی و فرهنگی و مخصوصاً حوزه‌های علمیه برای شناسایی لاهوت و نظام اعتقادی و فرهنگی ملل غیرمسلمان، اقدام عاجل به عمل آورند و با بررسی آراء و اهواء فرق شبه‌مسلمان که در خود، استعداد و زمینه مبدل شدن به عامل بیگانگان (از یهود و نصارا) را دارند، امکان نقد، رد و جوابگویی به شبهات احتمالی را فراهم آورند؛
- سازمان‌های مسئول فرهنگی، ضمن شناسایی کلیه فرقه‌های مذهبی موجود در کشورهای همسایه با تجهیز کتابخانه‌ها و ایجاد بسترهای لازم، امکانات خود را برای شناسایی شبهات و تربیت مبلغان مذهبی به کار گیرند و با گسیل آنها در اماکنی که امکان سوءاستفاده از طبع لطیف و تأثیرپذیر جوانان می‌رود، امکان سوءاستفاده را از بین ببرند؛
- مراکز و مؤسسات مذهبی با تجدیدنظر در شیوه تبلیغات دینی و استفاده از افراد صاحب‌نظر، عالم و دردآگاه، امکان برقراری ارتباط صریح و سریع و هم‌زمانی با جوانان و نوجوانان اولین دهه از هزاره جدید را فراهم سازند.
- سازمان‌ها و مؤسسات مسئول با درک شرایط و موقعیت حاضر و به دلیل مترصد بودن خصم در جبهه جنگ سرد فرهنگی با هوشیاری، امکان نشر احتمالی کتب مشکوک و شبهه‌افکن را سد نمایند. موضوع فضای باز فرهنگی، توسعه بی‌حد و حصر و آزادی نشر هرگونه شبهه در میان مسلمانان، خلاف قاعده حضور هوشمندانه در میدان مبارزه و خلاف نص صریح کتاب‌الله و کلمات ائمه معصومان (ع) است.

- اشتغال مردان و زنان فرهیخته، اهل قلم و تحقیق و دین‌شناس در مناصب اجتماعی، سیاسی و اجرایی در عصر حاضر؛ (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۰، ۱۳۳)
- تبری جستن از اقدام‌های گروه‌های افراط‌گرای اسلامی و تأکید بر این امر که اقدام‌های آنها مغایر با تعالیم رسول اکرم و قرآن کریم است، می‌تواند باور غلط افکار عمومی غرب را درباره اسلام و مسلمانان اصلاح کند.
- مسلمانانی که در اروپا، آمریکا، کانادا، استرالیا و دیگر کشورهای غربی زندگی می‌کنند می‌توانند در ترسیم سیمای راستین و صلح‌آمیز از اسلام نقش عمده‌ای را ایفاء کنند و می‌توانند الگوی عملی در جهت مبارزه با اسلام‌هراسی باشند.
- رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌های کشورهای اسلامی می‌توانند با جریان اسلام‌هراسی مقابله کنند. برای مثال می‌توانند با جذب مجریان و کارشناسان زنده و برگزاری میزگردهایی با حضور اسلام‌شناسان شرقی و غربی، سیمای حقیقی اسلام و مسلمانان را به جهانیان معرفی کنند. این رسانه‌ها همچنین بایستی با نقد کتاب‌ها و مقاله‌ها و ویدئوهایی که در وب‌سایت‌های وابسته به مسیحیان صهیونیست منتشر می‌شوند، رویکرد تحریف و بزرگ‌نمایی این گروه‌ها را به چالش بطلند و از سیاستمداران و افکار عمومی غرب دعوت کنند که اسلام و مسلمانان را در ترازوی حقیقت بسنجند. (آجیلی، ۱۳۹۷، ۲۱۴)

نتیجه‌گیری

برای فراگیر شدن یک امر، یا یک طرح در یک زمینه، گاهی نیاز به قرن‌ها کار و تلاش مستمر است و مسیحیان صهیونیست به این نتیجه رسیدند که می‌بایست شخصیت پیامبر اسلام (ص) و قرآن کریم را مورد حمله شدید خود قرار دهند؛ زیرا دریافته‌اند که برای تکوین و ترویج اسلام-هراسی، باید بر دال مرکزی اسلام تمرکز کرد و از این رو، بیشتر تلاش‌های آنان در راستای توهین به حضرت محمد (ص) و کتاب آسمانی مسلمانان انجام می‌شود. آنها همچنین می‌دانند که پیامبر(ص) و قرآن، کانون و نقطه محوری دین اسلام هستند و برای ضربه زدن به مسلمانان و جریحه‌دار کردن احساسات آنها، این دو را باید مورد هدف قرار دهند و عامدانه می‌کوشند از طریق سخنرانی، انتشار فیلم، کاریکاتور، مقاله و کتاب به دال مرکزی مسلمانان حمله کنند و تلاش دارند افکار عمومی و سیاست‌مداران غربی را متوجه این نکته کنند که کانون‌های هویت‌بخش و دال مرکزی مسلمانان از مشروعیت برخوردار نیستند و اسلام در ذات خود دارای مشکلات اساسی است. (آجیلی، ۱۳۹۷، ۲۰۸)

مکانیسم برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی نیز از مؤلفه‌هایی مهمی در تحلیل کنش بازیگران جریان اسلام‌هراسی هستند. بر اساس این مؤلفه‌ها، مسیحیان اوانجلیست، هرگونه اقدام خشونت‌آمیز از سوی گروه‌های افراطی مذهبی را به عنوان امری همگانی در جهان اسلام به تصویر می‌کشند و رفتار جمعیت کثیر مسلمانان در شرق و غرب را نادیده گرفته و به حاشیه می‌رانند، آنها از عبادت

آرامش‌بخش مسلمانان در مساجد و آیین‌های حج و عاشورا به سادگی می‌گذرند و نکته‌ای در صلح‌آمیز بودن این رفتارها بیان نمی‌کنند، اما اگر چند نیروی افراط‌گرا کارکنان مجله شارلی ابدو را به قتل برسانند به عنوان چهره اسلام و رفتار اسلامی توصیف می‌کنند، صد البته که ترور و کشتن جان هر انسانی از سوی هر فردی محکوم است و مسلمانان نیز وظیفه دارند رفتارهای تروریستی را در هر مکانی تقبیح کنند، اما نکته اینجاست که خود مسلمانان بیش از پیروان هر دین و گروهی قربانی خشونت‌های ستیزه‌جو شده‌اند و گروه‌هایی مانند داعش، القاعده، بوکوحرام، الشبাব و ... مورد قبول هیچ مسلمانی نبوده و در تضاد با آیین اسلام قرار دارند. مسیحیان صهیونیست همچنین، آیه‌هایی را که شامل مضامین جهاد است به عنوان دعوت اسلام به خشونت و ترور قلمداد کرده و آنها را برجسته می‌کنند، اما از آیات فراوانی که پیام‌رسان صلح، رحمت و برادری هستند چشم‌پوشی کرده و به حاشیه می‌رانند. (آجیلی، ۱۳۹۷، ۲۱۳)

از سویی دیگر شخصیت‌ها و رسانه‌های مسیحیت صهیونیستی با در پیش گرفتن شیوه‌هایی منطقی‌هم‌ارزی و تفاوت سعی می‌کنند هویت غرب را مستقل و مثبت نشان دهند و هویتی سلبی و منفی برای اسلام و مسلمانان ترسیم کنند. منطق هم‌ارزی و تفاوت به بازیگران جریان اسلام-هراسی این امکان را می‌دهد که واگرایی میان اسلام و غرب را تشدید کنند، بنابراین مسیحیان صهیونیست در اولین گام می‌کوشند غیریت‌سازی و دگرآفرینی بین اسلام/مسیحیت در غرب را پررنگ کنند، در این چارچوب، هجمه به پیامبر گرامی اسلام و قرآن کریم به عنوان دال مرکزی و محور هویت بخش مسلمانان در دستور کار مسیحیان صهیونیست قرار دارد. آنها حضرت محمد (ص) را با عناوین توهین‌آمیزی خطاب کرده و او را در مقابل حضرت مسیح (ع) و قرآن را نیز در تضاد با انجیل توصیف می‌کنند. (آجیلی، ۱۳۹۷، ۲۱۲)

مسیحیان صهیونیست در گام بعدی، خشونت، ترور و نقض حقوق زنان، عقب ماندگی، خرافه-گرایی، غیرعقلانی بودن و دشمنی با اقلیت‌ها را شاخصه‌های اسلام می‌دانند و صلح، قربانی ترور، آزادی زنان، پیشرفت و عقلانیت را از ویژگی‌های تمدن غرب، در گفت‌وگو با بازیگران جریان اسلام‌هراسی، ما یا غرب/ آنها یا مسلمانان جایگاه ویژه‌ای دارد و اعتقاد بر این است که مسلمانان نمی‌توانند در جهان چند فرهنگی غرب به طور مسالمت‌آمیز زندگی کنند و باید از ورود آنها به کشورهای غربی جلوگیری شود. این شکاف‌ها و برجسته شدن مؤلفه غیریت‌سازی در رسانه‌ها آنها مشهود است؛ مسلمانان از نظر آنان اغلب افراطی، تروریست و دین اسلام، دینی بنیادگرا تصور می‌شود و از آنجا که بیشتر افکار عمومی غرب اطلاعاتشان درباره اسلام را فقط از طریق رسانه‌ها کسب می‌کنند، لذا تصورات غلطی را همچون اینکه مسلمانان می‌خواهند جهان را تسخیر کنند را گسترش می‌دهند. (آجیلی، ۱۳۹۷، ۲۱۳) در این راستا مراکز خبری و رسانه‌ای غرب و همچنین محافل علمی و مجامع دانشگاهی دور جدیدی از برنامه‌های اسلام‌هراسی را آغاز کردند که مسلمانان در سطح جهانی مخالفان صلح و نظم بین‌المللی و حامیان ترور و خشونت معرفی شوند.

یافته‌ها نشان می‌دهد که در میدان رسانه‌ای، مضامین گفتمان شرق‌شناسانه بازتولید شده است. اگر کانون گفتمان شرق‌شناسانه تمایز بین خود و دیگری باشد، مطابق این دیدگاه ما (غرب) در مقابل دیگری (مسلمانان) اینگونه تعریف می‌شوند: (حشمت‌زاده، ۱۳۹۰، ۵۳)

| دیگری | ما |
|-------------------|----------------|
| خطرناک | آرامش |
| تروریست | قربانی تروریسم |
| غیرعقلانی | عقلانی |
| فعال منفی | فعال مثبت |
| غیرقابل اعتماد | قابل اعتماد |
| پیوند دین و سیاست | سکولار |
| محدودیت زنان | آزادی زنان |
| عقب مانده | پیشرفته |

در مجموع مهمترین اهداف مسیحیان صهیونیست از ترویج مسئله اسلام‌هراسی در غرب می‌تواند موارد ذیل باشد:

- مقابله با قدرت‌یابی تشیع و جلوگیری از نفوذ آنان در جهان
- توجیهی برای حضور خود در خاورمیانه با راه‌اندازی جنگ روانی در منطقه و ایجاد ناامنی و اختلافات میان مسلمانان
- ارائه تصویری نادرست از اسلام به صورت دین خشن و متجاوز به جهان و هدایت افکار عمومی در این راستا؛
- تلاش در جهت ایجاد نفرت از مسلمانان در جهان
- ایجاد وحشت و هراس از اسلام و مسلمانان در جهان
- اعمال فشار قانونی و غیرقانونی برای محدود کردن مسلمانان در زندگی خصوصی و اجتماعی
- تأمین منافع لابی‌های صهیونیستی و افراطی تندرو مسیحی
- جلوگیری از رشد و گسترش نظام‌های اسلامی در خاورمیانه
- تلاش در جهت معرفی هویت اسلامی به صورت هویت غیرخودی و بیگانه در برابر هویت خودی غربی در افکار عمومی
- مشروعیت‌بخشی به جنگ‌افروزی‌ها و تجاوز نظامی به جهان اسلام
- معرفی مسلمانان به عنوان کانون اقدامات تروریستی در جهان
- تخریب شخصیت پیامبر اسلام و ارائه چهره‌ای نادرست از ایشان در جهان

کتابنامه

- آجیلی، هادی (۱۳۹۷)، بازیگران گفتمان اسلام هراسی در غرب، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳)، یادگفتمان و سیاست، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی
- تقی زاده داوری، محمود (۱۳۸۲)، تصویر شیعه در دائره المعارف امریکانا، تهران، نشر بین الملل
- حسینی زاده، سید محمد علی (۱۳۸۳)، نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی، فصلنامه علوم سیاسی، ۷ (۲۸): ۱۸۶-۱۸۲
- حسینی زاده، محمد علی (۱۳۸۶)، اسلام سیاسی در ایران، قم، انتشارات دانشگاه مفید
- حشمت زاده، محمد باقر (۱۳۹۰)، شرق شناسی و بازنمایی رسانه‌ای ایران در امریکا، نگاهی به سطح خرد زبانی، رهیافت‌های سیاسی و بین المللی، (۲۷): ۵۲-۵۳
- حقیقت، سید صادق (۱۳۸۵)، روش شناسی علوم سیاسی، قم، مفید
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۲)، اسلام هراسی در غرب: جنگ سرد جدید فرهنگی علیه مسلمانان در امریکا و انگلیس، تهران، مؤسسه فرهنگی و هنری و انتشارات بین المللی المهدی
- سیدامامی، کاووس و سید محمد مهدی حسینی فائق (۱۳۹۰)، زمینه‌های رشد اسلام هراسی ساختمان در بریتانیا، دو فصلنامه علمی پژوهشی دانش سیاسی، ۲ (۱۴)، ۱۰۱-۱۰۳
- شفیعی سروستانی، اسماعیل (۱۳۹۰)، مسیحیان صهیونیست و عملکرد آنان در شرق اسلامی، تهران، هلال
- شیرغلامی، خلیل (۱۳۹۰)، اسلام و اسلام ستیزی؛ ده سال پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، فصلنامه سیاست خارجی، ۲۵ (۴)، ۹۹۶-۱۰۲۲
- فهیمی، زهرا؛ کشاورز شکری، عباس (۱۳۹۷)، جریان صهیونیستی غرب در مقابل فرهنگ تشیع، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۸ (۴)، ۱۳۰-۱۳۱
- فیلیس، لوئیز و یورگنسن ماریان (۱۳۸۹)، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی
- مجیدی، محمدرضا؛ صادقی، محمد مهدی (۱۳۹۳)، اسلام هراسی غربی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)
- مقدمی، محمد تقی (۱۳۹۰)، نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه و نقد آن، فصلنامه معرفت فرهنگی و اجتماعی، ۶ (۲)، ۹۲-۹۵
- کسرابی، محمد سالار؛ شیرازی، علی (۱۳۸۸)، نظریه گفتمان لاکلا و موفه، ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹ (۳)، ۳۴۱-۳۴۳

References

- Ajili, Hadi (2017), **Actors of the Islamophobic Discourse in the West**, Tehran, Noor Thinkers Institute of Studies (in Persian)
- Ali, W. Clifton, E. Duss, M. Fang, L., Keyes, S. & Shaker, F. (2014). **Fear, Inc. The Roots of the Islamophobia Network in America**, Center for American Progress.
- Allen, C. (2010). **Islamophobia**, Birmingham, Published by Ashgate.
- Brown, R. (2006, September 3). **John Hagee warns against redical Islam**, Religion News
- Clifton, E. (2011 August 3). **Spencer's Double Standard: I'm Not Responsible for Norway Terrorist, But**
- Deshiri, Mohammad Reza (2012), **Islamophobia in the West: The New Cultural Cold War against Muslims in America and England**, Tehran, Cultural and Art Institute and Al-Mahdi International Publications (in Persian)
- Fahimi, Zahra; Keshavarz Shukri, Abbas (2017), **Zionist movement in the West against Shiite culture**, Islamic World Political Research Quarterly, Period 8(4), pp 130-131 (in Persian)
- Haqit, Seyyed Sadegh (2005), **Political Science Methodology**, Qom, Mofid
- Heshmatzadeh, Mohammad Baqer (2013), **Orientalism and media representation of Iran in America, a look at the micro-linguistic level**, Political and International Approaches, Period. (27), pp. 52-53 (in Persian)
- Hosseinzadeh, Mohammad Ali (2006), **Political Islam in Iran**, Qom, Mofid University Publications (in Persian)
- Hosseinzadeh, Seyyed Mohammad Ali (2013), **Discourse Theory and Political Analysis**, Political Science Quarterly, Period 7(28), pp. 182-186 (in Persian)
- <http://www.nationalreview.com/corner/246769/shariah-threat-america> - andy-mccarthy.
- Kasraei, Mohammad Salar; Shirazi, Ali (2008), **Lakla and Mofe's discourse theory, an efficient tool in understanding and explaining political phenomena**, Politics Quarterly Period 39(3), pp. 341-343 (in Persian)
- Mac Niol, G. (2010, October 4). **Franklin Graham: Muslims in America Are Here To Build Mosques and Convert People, Mediaite**, Retrieved from: <http://www.mediaite.com/online/franklin-graham-Muslims>.
- Majidi, Mohammad Reza; Sadeghi, Mohammad Mahdi (2013), **Western Islamophobia**, Tehran, Imam Sadegh University (AS) (in Persian)
- Mantyla, K. (2009 November 10). **Robertson: Muslims Should Be Treated Like' Some**.
- McCarthy, C.M. (2010 September). **Shariah: The Threat to America**, National Review. Retrieved from

- Moghadami, Mohammad Taqi (2010), **Lacla and Mofe's theory of discourse analysis and its critique**, Cultural and Social Knowledge Quarterly, Period (6) 2, pp. 92-95(in Persian)
- Phillips, Louise and Marian Jorgensen (2009), **Theory and Method in Discourse Analysis**, translated by Hadi Jalili, Tehran, Ney Publishing
- Posner, S. (2011, March 8). **Welcome to the Shari ah Conspiracy Theory Industry**, Religion Dispatches. Retrieved from: <http://www.alternet.net>.
- Richardson, R. (2009). **Islamophobia or Anti-Muslim Racism – or What? – Concepts and terms revisited**. Retrieved from: www.insted.co.uk/anti-muslim-racism.pdf.
- Seyed Emami, Kavos and Seyed Mohammad Mahdi Hosseini-Faiq (2013), **the fields of the growth of constructive Islamophobia in the United Kingdom**, two quarterly research journals of political science, Period 2(14), pp. 101-103(in Persian)
- Shafii Sarostani, Ismail (2010), **Zionist Christians and their performance in the Islamic East**, Tehran, Hilal(in Persian)
- Shirgholami, Khalil (2010), **Islam and anti-Islamism**; Ten years after the September 11 incident, Foreign Policy Quarterly, Period 25(4), pp. 1022-996
- Taghizadeh Davari, Mahmoud (2012), **The Image of Shia in Americana Encyclopedia**, Tehran, International Publication(in Persian)
- Tajik, Mohammad Reza (2004), **Anti-Discourse and Politics**, Tehran, Humanities Research and Development Institute(in Persian)